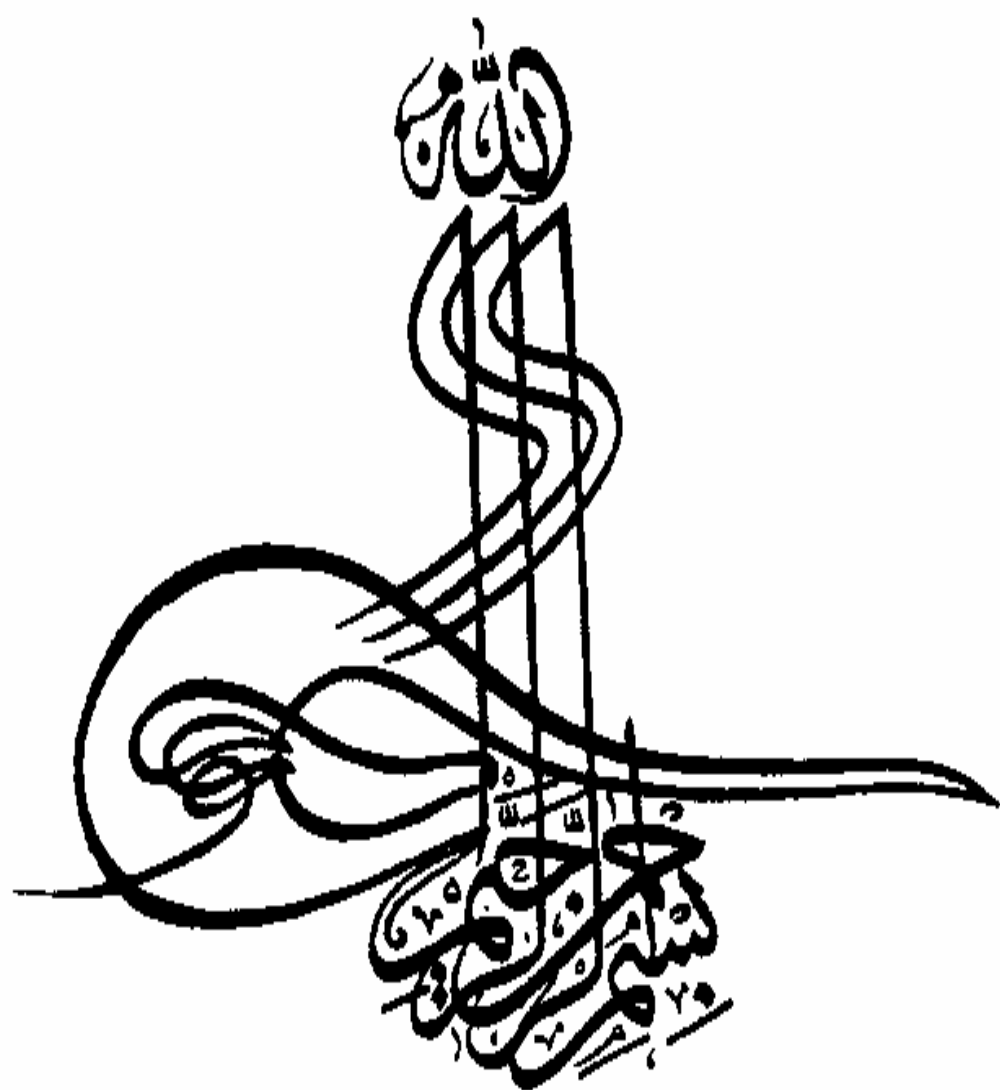






پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران

**طراحی مدل
توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری**

دکتر علی حسین قاسمی

(عضو هیئت علمی دانشگاه جندی شاپور)

۱۳۸۸

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ۱۳۸۸

این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون» متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است و هر گونه استفاده از تمام یا پاره‌ای از آن شامل نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل، و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی، یا وسایل دیگر تنها با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتاب‌شناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد.

خلاصه اجرایی

مباحث و موضوعات مرتبط با اطلاعات، روز به روز اهمیت بیش‌تری می‌یابند و در مجامع و محافل گوناگون، بویژه در محافل تخصصی، مرتباً بحث‌ها، پرسش‌ها و پژوهش‌های متفاوتی را برمی‌انگیزند. یکی از حوزه‌هایی که ارتباط گسترده‌ای با اطلاعات و کارکردهای آن دارد، بخش آموزش عالی است که تربیت شهروندان آگاه، مطلع و تأثیرگذار بر سرنوشت کشور را برعهده دارد.

در حالی که در اسناد توسعه‌ای کشور، رسماً بر به کارگیری اطلاعات و دانش و بر کارکردهای جاری و زیربنایی آن بسیار تأکید شده است، اما جای خالی طرح‌هایی برای آموزش و سنجش سواد اطلاعاتی، نقصی عمده در امر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ای کشور محسوب می‌شود. حال که قرار است اطلاعات و دانش، محور توسعه و پیشرفت کشور باشد، باید توانایی استفاده از اطلاعات و دانش در میان نخبگان و برنامه‌ریزان آینده‌ی کشور ارتقا یابد، و با انتظارات و توقعاتی که در اسناد توسعه‌ای ذکر شده، همخوان گردد.

بنیان‌های یک جامعه‌ی اطلاعاتی و دانشی هرگز نمی‌توانند تنها با پیشرفت‌های فناورانه برابری کنند. بی‌شک، نابرابری‌ها در دسترسی به منابع، محتواها و زیرساختارهای اطلاعاتی بر ویژگی جامعه‌ی اطلاعاتی جهانی سایه می‌افکنند و رشد این جوامع را مختل می‌کنند. عصر ما عرصه‌ی دگرگونی‌ها و تغییرات آنچنان مهمی است که برخی ادعا می‌کنند ما در کشاکش «سومین انقلاب صنعتی»- انقلاب فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی- قرار داریم که با تغییر در الگوها و سامانه‌های اطلاعاتی، همایند است. عظمت این دگرگونی‌های فناورانه به مدت چندین دهه بر ابزار جدید، و بر انتقال و پردازش اطلاعات اثر

می‌گذارد و چه بسا حاکی از آن باشد که ما در آستانه‌ی عصر جدیدی از دانش دیجیتال ایستاده‌ایم. دانش و اقتصادهای ناملموس، و اثر فناوری‌های جدید بر جوامع شبکه‌ای، در کانون تغییرات جاری قرار دارند. اصطلاح جامعه‌ی یادگیرنده، که توسط «رابرت هاچینز»^۱ (۱۹۶۸) و «تورستن هاسِن»^۲ (۱۹۷۴) رواج یافت، حاکی از نوع جدیدی از جامعه می‌باشد که در آن، «محدودیت‌های قدیمی درباره‌ی محل و نحوه‌ی به دست آوردن دانش سازمان‌یافته (درون مؤسسات آموزشی یا بلافاصله پس از مهارت‌آموزی) دیگر اعمال نمی‌شوند. در دنیایی که روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و در آن هر فردی در طول دوره‌ی کاری خود ممکن است به اشتغال در بیش از یک حرفه نیاز پیدا کند، یادگیری مادام‌العمر ضروری می‌شود. اما اگر قرار است جامعه‌ی یادگیرنده به وجود آید ایجاد یک فرهنگ یادگیری ضروری است. فرهنگی که هم به معلم و هم به دانشجو شهادت ببخشد و این روابط را به فراسوی چارچوب آموزشی گسترش دهد.

بدین ترتیب، تضمین مناسبت نظام‌های آموزش عالی برای ترویج یک فضای سالم اجتماعی و سیاسی در داخل کشور همراه با توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی اهمیت می‌یابد. رهبران سیاسی باید چند مأموریت مهم را برای مؤسسات آموزش عالی تعیین کنند: تولید، اشاعه و روزآمد نمودن دانش؛ تربیت مدرسان؛ و انتقال دانش به جامعه به صورت کلی. بعلاوه، یکی از کارکردهای اصلی آموزش عالی باید روزآمدسازی دانش - به صورت مادام‌العمر، در حوزه‌هایی باشد که در معرض تغییرات دائمی قرار دارند.

با نگاهی به سند چشم‌انداز ملی، سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه، و نیز بسیاری دیگر از منابع مرتبط، شواهد فراوانی می‌توان یافت که همگی مؤید ضرورت ترویج آموزش سواد اطلاعاتی هستند. آنچه که در ایران در رابطه با آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی انجام می‌گیرد البته قابل توجه است، اما این اقدامات فاقد یک سیاست مدون یا حتی نامدون است. در این راستا تدوین یک سیاست و برنامه مدون برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی ضروری است. نوشتار حاضر در پی آن است که به ارائه‌ی یک چارچوب کلی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در محدوده‌ی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری بپردازد. در این رابطه، چارچوب برنامه‌های پیشنهادی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در آموزش عالی در ایران، و بویژه عرصه‌های اقدام در آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد توجه قرار گرفته‌اند. این عرصه‌ها عبارت‌اند از:

1. Robert Hutchins

2. Torsten Husén

تدوین مقررات و آیین نامه‌ها

تولید محتوا

برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان

در رابطه با هر یک از عرصه‌های مذکور، نکات و روش‌ها و اصول قابل توجه ذکر شده‌اند. نتیجه‌ی طرح فوق می‌تواند به‌عنوان مبنای عمل برای پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران برای تدوین و طراحی برنامه‌های عملیاتی در امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در گستره‌ی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و با انجام تغییراتی برای برخی سازمان‌های دیگر مورد استفاده قرار گیرد. با ورود به اقدامات مذکور در گزارش طرح و بسته به درجه‌ی حصول و تحقق برنامه‌های تدوین شده برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور، نتایج پیش‌بینی شده یا مورد انتظار از برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تحقق می‌یابند؛ چراکه ابزار لازم برای دستیابی به این اهداف از نظر تجهیز آموزش‌دهندگان و پژوهشگران و مدیران اجرایی کشور به منظور بهره‌برداری از ذخایر اطلاعاتی موجود، در اختیار آنان قرار گرفته است. به عنوان گام بعدی که در دنباله‌ی نتایج حاصل از این طرح می‌توان برداشت، موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

تهیه‌ی برنامه‌ی عملیاتی تفصیلی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری

تهیه‌ی و تدوین مدل آموزش سواد اطلاعاتی برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

راه‌اندازی دفتر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت مذکور برای برنامه‌ریزی و هدایت جامع

اقدامات در عرصه‌ی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی.

معرفی مجری طرح پژوهشی

علی حسین قاسمی

دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی

از دانشگاه فردوسی مشهد

محل کار:

دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم تربیتی، گروه کتابداری. تلفن: ۰۵۱۱-۸۷۸۳۰۰۸ داخلی ۲۰۵

نشانی صفحه اینترنتی: <http://ghaasemi.googlepages.com>

نشانی پست الکترونیکی: tvahn@yahoo.com

چکیده

آموزش سواد اطلاعاتی به دلیل تأثیر شگرفی که بر افزایش مصرف اطلاعات و از این طریق بر ارتقای سطح توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی دارد، در جهان و همچنین در ایران بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با وجود نفوذ قابل توجه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کشور و کاربرد گسترده‌ی آن توسط عموم مردم، اشخاص حقیقی و حقوقی گوناگون به آموزش سواد اطلاعاتی توجه کرده‌اند و در این راه نیز به اقداماتی دست زده‌اند. اما این اقدامات فاقد یک سیاست منسجم و برنامه‌ریزی شده می‌باشد و در نتیجه موجب اتلاف سرمایه‌های انسانی و غیرانسانی می‌گردد.

در این رابطه، توجه به دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع آموزش عالی موجب می‌گردد که آموزش‌های ارائه‌شده به آنان به اقشار دیگر اجتماعی تسری یابد و علاوه بر آن، با تلفیق مهارت‌های سواد اطلاعاتی و کارکردهای آموزشی، پژوهشی، و حرفه‌ای دانش‌آموختگان، گام‌های مؤثری در جهت تحقق اهداف برنامه‌های کلان توسعه‌ی اجتماعی - آن گونه که در اسناد توسعه‌ی ملی توصیه شده است - برداشته شود.

گزارش حاضر به ارائه‌ی مدلی برای توسعه‌ی سواد اطلاعاتی در ایران برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخته است. برای تهیه‌ی این مدل که بر پایه‌ی توصیه‌های یونسکو و ایفلا در باب برنامه‌ریزی آموزش و نیز آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی شکل گرفته است، به وضعیت کنونی آموزش سواد اطلاعاتی در کشور، پتانسیل موجود جامعه‌ی دانشگاهی کشور در امر یادگیری و تدریس سواد اطلاعاتی، نفوذ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، و توان بالقوه‌ی سازمان‌ها و مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی دست‌اندرکار نیز توجه شده است. مدل مذکور بر سه وجه - تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، تولید محتوا، و برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان - مبتنی است. در هر یک از این وجوه، ضمن ذکر نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرند به اهم اقدامات قابل اتخاذ اشاره شده است.

انتظار می‌رود که با تحقق مهارت‌های سواد اطلاعاتی که با تجهیز یادگیرندگان به مهارت‌های تفکر انتقادی همراه است، بسیاری از اهداف ملی مورد انتظار در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و علمی در دسترس قرار گیرند؛ چرا که گام اول در امر دسترسی به دانش (که بومی‌شدگی، ویژگی اصلی آن است) قدرت تشخیص مسئله و تعیین روشن نیاز اطلاعاتی، و بهره‌گیری از اطلاعات موجود برای تولید اطلاعات و دانش جدید است.

فهرست مطالب / صفحه

۱	خلاصه اجرایی
۵	معرفی مجری
هـ	چکیده‌ی فارسی
و	فهرست مطالب
ز	فهرست نمودارها
۱	۱. مقدمه
۲	۲. جامعه‌ی جهانی و ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
۶	۱-۲. یادگیری، ارزش اصلی جوامع دانشی
۶	۲-۲. یادگیری مادام‌العمر
۹	۳. ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران
۹	۱-۳. سند چشم‌انداز ملی
۱۰	۲-۳. سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه در ارتباط با ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
۱۱	۴. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
۱۱	۱-۴. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان
۱۲	۲-۴. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران
۱۳	۳-۴. نقش پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران در آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران
۱۶	۵. چارچوب برنامه‌ی پیشنهادی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در آموزش عالی در ایران
۱۹	۶. عرصه‌های اقدام در آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۲۰	۱-۶. برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان حوزه‌ی سواد اطلاعاتی
۲۲	۲-۶. تولید محتوا در حوزه‌ی آموزش سواد اطلاعاتی
۲۴	۳-۶. تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
۲۷	۷. نتیجه‌ی نهایی
۲۸	۸. منابع
1	چکیده‌ی انگلیسی

فهرست نمودارها / صفحه

۱۹	نمودار ۱. ترتیب منطقی عرصه‌های اقدام برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
۲۰	نمودار ۲. ترتیب عملیاتی عرصه‌های اقدام برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
۲۱	نمودار ۳. موارد قابل توجه در برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران سواد اطلاعاتی در آموزش عالی
۲۲	نمودار ۴. روش‌ها و فنون آگاهی‌بخشی
۲۳	نمودار ۵. قالب‌های ارائه‌ی محتوا برای آموزش سواد اطلاعاتی
۲۴	نمودار ۶. اولویت‌های آگاهی‌بخشی در باب سواد اطلاعاتی
۲۵	نمودار ۷. اصول مربوط به تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها
۲۶	نمودار ۸. اهداف و رویکردهای عملی در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها
۲۷	نمودار ۹. اهداف نهایی در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها

۱. مقدمه

مباحث و موضوعات مرتبط با اطلاعات، روز به روز اهمیت بیش‌تری می‌یابند و در مجامع و محافل گوناگون، بویژه در محافل تخصصی، مرتباً بحث‌ها، پرسش‌ها و پژوهش‌های متفاوتی را برمی‌انگیزند. یکی از حوزه‌هایی که ارتباط گسترده‌ای با اطلاعات و کارکردهای آن دارد، بخش آموزش عالی است که تربیت شهروندان آگاه، مطلع و تأثیرگذار بر سرنوشت کشور را برعهده دارد.

در نگاهی فراملی، جامعه‌ی قرن ۲۱، جامعه‌ی یادگیرنده است و ضرورت ادامه‌ی بقا در چنین جامعه‌ای، مجهز شدن به ابزارهای لازمه‌ی آن است. هسته‌ی سازنده‌ی این جامعه را **سواد اطلاعاتی** می‌دانند (به عنوان مثال George & Luke 1995; Karisiddappa 2004; Lantz & Brage 2006). هر چه که افراد این جامعه با یادگیری و یادگیرندگی پیوند جدی‌تری داشته باشند، ضرورت توجه به **سواد اطلاعاتی** به شکلی جدی‌تر، آشکار می‌شود. از جمله اقشاری که موجودیت اجتماعی و شغلی آنان در گرو یادگیری و پژوهش می‌باشد، دانشجویان و اعضای هیئت علمی هستند که به تدریس و تحقیق مشغول‌اند.

هرچند هر کسی که به نوعی با اطلاعات و اطلاع‌رسانی و با مفهوم **سواد اطلاعاتی** آشنایی دارد، ضرورت آموزش و ترویج **سواد اطلاعاتی** را تأیید می‌کند، اما برای آموزش **سواد اطلاعاتی** برنامه‌ی مدون و رسمی تدارک ندیده‌ایم؛ آنچه که مبنای عمل در اقدامات خودجوش و پراکنده می‌باشد، معلوم نیست که به چه نتایجی منجر خواهد شد و تازه اگر نتایج پایداری به بار آورد، برای توسعه و ترویج آثار جانبی آن بر چه مبنایی باید عمل کرد.

در حالی که در اسناد توسعه‌ای کشور، رسماً بر به کارگیری اطلاعات و دانش و بر کارکردهای

جاری و زیربنایی آن بسیار تأکید شده است^۱، اما جای خالی طرح‌هایی برای آموزش و سنجش سواد اطلاعاتی، نقصی عمده در امر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ای کشور محسوب می‌شود. حال که قرار است اطلاعات و دانش، محور توسعه و پیشرفت کشور باشد، باید توانایی استفاده از اطلاعات و دانش در میان نخبگان و برنامه‌ریزان آینده‌ی کشور ارتقا یابد، و با انتظارات و توقعاتی که در اسناد توسعه‌ای ذکر شده، همخوان گردد.

برای حصول چنین هدفی، و با توجه به وجود زمینه‌های مساعد بسیاری که برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور وجود دارد، بررسی کوتاهی در باب لزوم توجه به آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی خالی از فایده نخواهد بود.

۲. جامعه‌ی جهانی و ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

«سواد اطلاعاتی، در پیوند با دسترسی به اطلاعات اساسی و بهره‌گیری اثربخش از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، نقش چشمگیری در کاهش نابرابری‌ها در درون و میان کشورها و مجامع، و در ترویج تحمل و درک متقابل در امر بهره‌گیری از اطلاعات در بافتارهای چندفرهنگی و چندزبانی بازی می‌کند.»

اعلامیه‌ی پراگ

(«به سوی جامعه‌ی باسواد اطلاعاتی»، ۲۰۰۳)

در تعریف سواد اطلاعاتی گفته می‌شود «مجموعه مهارت‌هایی که برای یافتن، بازیابی، تحلیل، و به‌کارگیری اطلاعات، موردنیاز است» (Prague Declaration 2003). بسیاری از سیاستگذاران و دست‌اندرکاران آموزش، این مهارت‌ها را در ایجاد یک «جامعه‌ی اطلاعاتی» جهانی توأم با برابری که در آن، هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای در حال توسعه بتوانند در توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی سهمیم باشند، ضروری می‌دانند.

امروزه، در حالی که شاهد پیدایش یک جامعه‌ی اطلاعاتی جهانی هستیم که فناوری، در حدی فراتر از همه‌ی انتظارات بر مقدار اطلاعات موجود آن و بر سرعت انتقال این اطلاعات افزوده، هنوز برای تحقق جوامع دانشی اصیل، راهی طولانی در پیش است. یک پاره‌ی اطلاعات، حتی اگر (مثلاً به منظور حذف اختلالات یا خطاهای انتقال) اصلاح شده باشد، لزوماً معنادار نیست. تا وقتی که بخش‌های وسیعی

۱. به عنوان مثال می‌توان نقش اقتصاد دانایی محور در برنامه‌ی چهارم توسعه را مورد توجه قرار داد.

از جمعیت جهانی از نظر دسترسی به آموزش - برای بهره‌گیری بهینه از اطلاعات موجود همراه با تفکر و قضاوت انتقادی، و برای تحلیل، دسته‌بندی و ادغام اقلامی که آن‌ها را در یک دانش پایگاه، از همه جالب توجه‌تر می‌یابند - از فرصت‌های برابر محروم باشند، اطلاعات هرگز چیزی نخواهد بود مگر توده‌ای از داده‌های مبهم. و بسیاری متوجه خواهند شد که به جای کنترل اطلاعات توسط آنان، اطلاعات است که آنان را در کنترل خود دارد (UNESCO 2005).

بنیان‌های یک جامعه‌ی اطلاعاتی و دانشی هرگز نمی‌توانند تنها با پیشرفت‌های فناورانه برابری کنند. بی‌شک، نابرابری‌ها در دسترسی به منابع، محتواها و زیرساخت‌های اطلاعاتی بر ویژگی جامعه‌ی اطلاعاتی جهانی سایه می‌افکنند و رشد این جوامع را مختل می‌کنند. عصر ما عرصه‌ی دگرگونی‌ها و تغییرات آنچنان مهمی است که برخی ادعا می‌کنند ما در کشاکش «سومین انقلاب صنعتی» - انقلاب فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی - قرار داریم که با تغییر در الگوها و سامانه‌های اطلاعاتی، همانند است. عظمت این دگرگونی‌های فناورانه به مدت چندین دهه بر ابزار جدید، و بر انتقال و پردازش اطلاعات اثر می‌گذارد و چه بسا حاکی از آن باشد که ما در آستانه‌ی عصر جدیدی از دانش دیجیتال ایستاده‌ایم. دانش و اقتصادهای ناملموس، و اثر فناوری‌های جدید بر جوامع شبکه‌ای، در کانون تغییرات جاری قرار دارند.

سمت و سوی این تغییرات، از نظر تدریس و آموزش، در جهت تغییر محوریت از دارندگان دانش به کسانی است که در پی کسب دانش - هم در چهارچوب نظام‌های آموزشی رسمی و هم در چهارچوب فعالیت‌های حرفه‌ای و آموزش غیررسمی (که مطبوعات و رسانه‌های الکترونیکی نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند) هستند. در زمانی که تغییرات بسیار سریع، بنیان مدل‌های قدیمی را به لرزه درآورده‌اند و «یادگیری بر اساس تمرین» و «توانایی نوآوری» در حال رونق گرفتن هستند، دینامیک‌های شناختی جوامع ما به موضوع مهمی تبدیل شده‌اند. مدل یادگیری از دنیای مریان فراتر رفته و در همه‌ی سطوح زندگی اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته. اینک بیش از پیش روشن می‌شود که هر سازمان، خواه انتفاعی یا غیرانتفاعی، باید بُعد «یادگیری» اش را تقویت نماید، تا جایی که تعداد رسانه‌ها و مکان‌های دانشی در کشورهای شمال و نیز کشورهای جنوب، رو به افزایش گذارد.

آموزش اولیه برای همه، هنوز یک اولویت بی‌قید و شرط است. اما آموزش بزرگسالان، که ممکن است در رابطه با کشورهایی که تا برآوردن نیازهای اولیه‌ی آموزشی هنوز راهی طولانی در پیش دارند، بی‌ربط به نظر برسد، به هر حال امروز اهمیت تعیین‌کننده‌ای یافته؛ چرا که ظاهراً یک شرط ضروری برای

توسعه به شمار می آید. بنابراین، آموزش مادام‌العمر برای همه می‌تواند پاسخی به بی‌ثباتی فزاینده‌ی اشتغال و حرفه‌ها باشد، بی‌ثباتی که اکثر آینده‌گرایان آن را پیش‌بینی می‌کنند. بعلاوه، مصلحت در این است که بر مخاطرات و مزایای بیش از پیش قابل مشاهده‌ی ملازم با خصوصی‌سازی در امر ارائه‌ی آموزش (که اینک در حوزه‌ی آموزش عالی یک موضوع بسیار حساس محسوب می‌شود ولی گسترش آن به سطوح دیگر نیز آغاز گردیده) تمرکز شود. ثبت نام جهانی و عرضه‌ی آموزش متناسب با هر کس، برای تضمین کارآمدی و موفقیت، تنها و به خودی خود کافی نیستند. کارآمدی و موفقیت به کیفیت آموزش ارائه‌شده نیز بستگی دارند. از مدت‌ها پیش، عوامل اثرگذار بر کیفیت (همچون نسبت دانش‌آموز/معلم، تربیت معلم، کیفیت زیرساخت‌های موجود و امکانات در اختیار برای دانش‌آموز و معلمان) مشخص شده‌اند. این موارد با صرف هزینه- بخصوص از محل مخارج عمومی- برای آموزش، رابطه‌ی تنگانی دارند.

با پیشرفت دانش، عرضه‌ی آموزش شکل‌های متنوعی پیدا می‌کند، اما «همگانی کردن»^۱ آموزش عالی، فشار بر بودجه‌های ملی را افزایش می‌دهد. هر روز تعدادی بیش از پیش از مؤسسات، از دیگر حالت‌های تأمین مالی، بخصوص تأمین مالی از جانب بخش خصوصی، استقبال می‌کنند. در ترکیب پیچیده‌ی مؤسسات خصوصی و عمومی دیگر دانشگاه تک‌مدلی وجود ندارد. اگر کاری صورت نگیرد، پدیده‌ی تأمین مالی از جانب بخش خصوصی، که به ظهور بازارهای آموزش عالی منجر می‌شود، ممکن است به نظام آموزش عالی کشور ضربه‌ای جدی وارد کند. برای حصول اطمینان از کیفیت و تناسب نظام‌های در حال ظهور آموزش عالی، همکاری بین‌المللی بهتری لازم است.

ایده‌ی جوامع دانشی خود بسیار مدیون رشد سریع پژوهش و نوآوری است. قرارگاه‌های علمی و دست‌اندرکاران علم هم‌اینک دستخوش تغییرات عمیقی هستند. با حضور بیش از پیش بازار در حوزه‌های فعالیت علمی، آنان (این قرارگاه‌ها و دست‌اندرکاران) باید در تلاقی گاه‌های بخش علمی، اقتصادی و سیاسی، آن نظام‌های پژوهش و نوآوری را به کار گیرند که توسعه‌ی پایدار را ترویج می‌کنند و همه، چه شمال و چه جنوب، از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. مدل‌های جدید اشتراک دانش باید در آینده گسترش یابند. این‌ها شرایطی هستند که در آن‌ها، علم و فناوری می‌توانند، بر مبنای اشتغال و مشارکت تعداد هرچه‌بیش‌تری از افراد، به ساختن جوامع دانشی کمک کنند.

اصطلاح جامعه‌ی یادگیرنده، که توسط «رابرت هاچینز»^۱ (۱۹۶۸) و «تورستن هاسِن»^۲ (۱۹۷۴) رواج یافت، حاکی از نوع جدیدی از جامعه می‌باشد که در آن، «محدودیت‌های قدیمی درباره‌ی محل و نحوه‌ی به دست آوردن دانش سازمان‌یافته (درون مؤسسات آموزشی یا بلافاصله پس از مهارت‌آموزی) دیگر اعمال نمی‌شوند. در دنیایی که روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و در آن هر فردی در طول دوره‌ی کاری خود ممکن است به اشتغال در بیش از یک حرفه نیاز پیدا کند، یادگیری مادام‌العمر ضروری می‌شود.

تقریباً در همان زمانی که ایده‌ی «جامعه‌ی یادگیرنده» در حال تثبیت شدن بود، «پیتر دراگر»^۳ (۱۹۶۹) به ظهور یک جامعه‌ی دانشی اشاره نمود که در آن، آنچه بیش از همه اهمیت دارد «یادگرفتن نحوه‌ی یادگیری» است. این مفهوم جدید از آموزش تقریباً به صورت همزمان (۱۹۷۲) در گزارش «کمسیون بین‌المللی برای توسعه‌ی آموزش»^۴، (به ریاست «ادگار فائور»^۵) برای یونسکو و با عنوان «یادگیری [برای] بودن: دنیای آموزش؛ امروز و فردا»^۶ مطرح شد. در گزارش ادعا شد که آموزش، دیگر نه امتیازی برای نخبگان است و نه موضوعی مربوط به فقط یک گروه سنی: جهتگیری آموزش، زیر پوشش گرفتن کل جامعه و کل دوره‌ی حیات فرد است.

در سال ۱۹۹۶، «کمسیون بین‌المللی درباره‌ی آموزش برای قرن بیست و یکم»^۷ به ریاست «ژاک دلور»^۸، در گزارش خود به یونسکو بر دامنه‌ی اثرگذاری فناوری اطلاعاتی جدید بر روزآمدسازی مستمر توانایی‌های شخصی و حرفه‌ای تأکید نمود. در حالی که تغییر روزافزون، الگوهای قدیمی را به چالش می‌کشد و اهمیت فزاینده‌ای به «یادگیری از طریق انجام دادن» و قابلیت‌های مبتکرانه داده می‌شود، پویایی دانشی جوامع به موضوعی عمده تبدیل شده‌اند. مدل «یادگیری» به مرزهایی بسیار فراتر از دنیای آموزش، به هر گوشه و کنار از زندگی اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته است. اکنون بیش از پیش پذیرفته می‌شود که هر سازمانی، انتفاعی یا غیرانتفاعی، باید جنبه‌ی آموزشی و «یادگیرانه» اش را تقویت کند؛ و در

1. Robert Hutchins

2. Torsten Husén

3. Peter Drucker

4. International Commission on the Development of Education

5. Edgar Faure

6. Learning to Be: the World of Education Today and Tomorrow

7. International Commission on Education for the Twenty-first Century

8. Jacques Delors

اینجا باید متذکر شد که ظهور این الگو با الگوی نوآوری به صورت عام، در همه‌ی عرصه‌های فعالیت انسانی مطابقت می‌کند.

۱-۲. یادگیری، ارزش اصلی جوامع دانشی

یک جامعه‌ی یادگیرنده را نمی‌توان فقط یک جامعه‌ی اطلاعاتی تصور کرد. ایده‌ی «یادگیری» باردیگر بُعد بسیار مهمی را در نظر می‌آورد تا یادگیری در همه‌ی سطوح جوامع ما تعمیم یابد و مدلی را برای سازماندهی زبان، کار و زندگی نهادهای ما ارائه نماید. اینچنین پیشرفتی حاکی از تغییر در یک پارادایم است. از یک سو، دیگر نمی‌توان آموزش و یادگیری را به یک فضا-زمان مشخص و معین محدود نمود، بلکه ممکن است بتوان آن‌ها را در طول زندگی توسعه بخشید. از سوی دیگر، عامل انسانی باید در قلب فرایند مستمر کسب و انتقال دانش قرار گیرد.

بنابراین، اگر قرار است جامعه‌ی یادگیرنده به وجود آید ایجاد یک فرهنگ یادگیری ضروری است. فرهنگی که هم به معلم و هم به دانشجو شهادت ببخشد و این روابط را به فراسوی چارچوب آموزشی گسترش دهد.

۲-۲. یادگیری مادام‌العمر

ایده‌ی آموزش متناوب، به همه‌گیری آموزش بزرگسالان و آنچه در آن زمان آموزش «همگانی» نامیده می‌شد نمود پیدا کرد. در ابتدا، آموزش بزرگسالان یک گزینه‌ی شخصی محسوب می‌شد که چشم‌انداز و پیشرفت اجتماعی یا چشم‌انداز بازآموزی حرفه‌ای را مطرح می‌نمود، اما در دهه‌ی ۱۹۷۰ آموزش مادام‌العمر به بخشی از یک تصویر وسیع‌تر از دوره‌ی آموزشی فرد تبدیل شد که در آن، آموزش را پیوستار «زگهواره تا گور» می‌دانستند. این تصویر بخصوص القاکننده‌ی تأملات مندرج در گزارش «فائور» بود. آموزش مادام‌العمر برای همه، با تکیه بر این فرض شروع شد که مهارت‌آموزی اولیه ناکافی و ناقص است و در نتیجه باید صرفاً مبنای «یادگیریِ آموختن» محسوب شود (که باید دائماً در طول زندگی از نو فعال گردد) و اکنون به یکی از پایه‌های اصلی خودسازی تبدیل شده است. اصولاً مسئله‌ی آموزش بزرگسالان به ظاهر منعکس‌کننده‌ی نگرانی‌های خاص کشورهای صنعتی بود و به نظر نمی‌رسید که به کشورهای نیازی که با برآوردن نیازهای آموزشی اولیه‌شان فاصله زیادی دارند، مربوط باشد. پتانسیل موجود برای قدرت‌بخشی به آموزش، با خواسته‌های کشورهای در حال توسعه منطبق بود. اما آموزش مادام‌العمر

امروزه باید یکی از پیش شرط‌های پیشرفت محسوب گردد که توانایی سازگارپذیری و خودمختاری، و نیز وسیله‌ای برای تضمین به اشتراک گذاری و جریان یافتن جهانی دانش شمرده می‌شود.

آموزش مادام‌العمر می‌تواند پاسخی برای بی‌ثباتی در حال رشد شغلی، که اکثر پیش‌بینی‌کنندگان پیش‌بینی می‌کنند، فراهم کند. هر روز عده‌ی بیش‌تری از مردم، چندین شغل را در طول زندگی خود عوض خواهند کرد، و آموزش دیگر نمی‌تواند به ارائه‌ی یک تخصص واحد محدود شود، بلکه باید توانایی برای تغییر رویه در طول زندگی، و توانایی همسازشدن با تغییرات اجتماعی و اقتصادی را در هر فرد ایجاد نماید. اما مشکلات بازار کار هم گاهی اوقات تأثیرات ناشی از بزرگ‌نمایی اثرات اقتصادی و شغلی آموزش مادام‌العمر و در حاشیه قرار گرفتن جنبه‌ی پیشرفت فردی - به عنوان یک امتیاز غیرضروری - را داشتند. آموزش مادام‌العمر از زمان مصرف‌شده در هنگام کار، بسیار فراتر می‌رود، و قبل از، در طول و بعد از زندگی کاری یک فرد ادامه می‌یابد. یادگیری مادام‌العمر فرایندی است که در شکل مطلوب آن باید در سه سطح، که علیرغم رابطه‌ی تنگاتنگ، می‌توان بسته به افراد مختلف و دوران زندگی هر فرد، جداگانه آن را رتبه‌بندی کرد، معنادار باشد. به طور خلاصه، سه سطح توسعه وجود دارند. توسعه‌ی فردی و فرهنگی - معنایی که فرد به زندگی خود می‌دهد؛ توسعه‌ی اجتماعی - جایگاه فرد در اجتماع، شهروندی، مشارکت سیاسی و زندگی جمعی در جامعه؛ و نهایتاً توسعه‌ی حرفه‌ای - استخدام ثابت و مناسب و پیوندهایی که با تولید، رضایت شغلی، و رفاه مادی دارد. بنابراین آموزش مادام‌العمر دربرگیرنده‌ی تغییر شکل، توزیع مجدد، و هماهنگ‌سازی دوباره‌ی دوره‌های یادگیری فردی و اجتماعی است.

مؤسسات آموزش عالی، بر مبنای تغییرات عمیق در الگوهای سنتی تولید دانش، اشاعه و کاربرد دانش، بی‌شک نقش مهمی در جوامع دانشی ایفا خواهند کرد. این مؤسسات - که عمدتاً از دانشگاه اروپایی مدل‌برداری شده‌اند - در طول ۵۰ سال گذشته رشدی انفجاری را در تعداد دانشجویان تجربه نموده‌اند، که عده‌ای با عنوان «افزایش ظرفیت»^۱ آموزش عالی از آن یاد می‌کنند. با پیشرفت دانش، پیش‌بینی‌های آموزشی متنوع‌تر می‌شود. محدودیت‌های وارده بر هزینه‌های دولتی نهادهای بیش‌تر و بیش‌تری را متقاعد می‌کند که حالت‌های دیگری از تأمین مالی را، بخصوص از جانب منابع خصوصی، در نظر بگیرند. در نتیجه، آموزش عالی در اکثر کشورها اکنون از شبکه‌ی پیچیده‌ی مؤسسات خصوصی یا

1. massification

عمومی استفاده می کنند: پلی تکنیک ها، دانشکده های مهندسی، آموزشگاه های مدیریت و بازرگانی، مراکز آموزش از راه دور، آزمایشگاه های پژوهشی، توابع شرکت ها،

با «افزایش ظرفیت» آموزش عالی و محدودیت های بخش دولتی از نظر تأمین مالی آموزش عالی، اکثر مؤسسات دانشگاهی - بخصوص در کشورهای در حال توسعه - دیگر منابع مالی یا انسانی برای ارائه ی آموزش در کل دامنه ی رشته ها یا حتی برای زیر پوشش گرفتن همه ی دانش مرتبط با یک حوزه ی معین را ندارند. تعداد متخصصان لزوماً محدود است. دانشگاهیان در مؤسساتی که از کمک مالی کمتری برخوردارند گاهی مجبورند وقت خود را برای وظایف تدریسی ضروری صرف کنند و در نتیجه باید کار پژوهشی خود را محدود کنند یا کیفیت آن را کاهش دهند، که در نتیجه جذابیت این پژوهش ها برای دانشجویان و ربط آن ها با نیازهای اجتماعی کم می شود. مؤسسات آموزش عالی با محروم شدن از کارکردهای پژوهش، اکتشاف و نوآوری، به نهادهای «آموزش فوق متوسطه» (که صرفاً دنباله ی سطوح ابتدایی و متوسطه است) تقلیل می یابند. اختلاف معنایی بین «آموزش عالی» و «آموزش فوق متوسطه» می تواند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که - در نتیجه ی نوعی از تقسیم بین المللی کار - خطر محدود شدن به ترویج آموزش فوق متوسطه را می پذیرند و در عین حال بر این باروند که آموزش عالی را ترویج می کنند، عواقب جدی داشته باشد. باید مجدانه از این دام اجتناب کرد، که این امر خود مستلزم توسعه ی فعالیت های پژوهشی به عنوان یک اولویت است. دانشگاه ها، تا حدودی، آینده ی جوامع خود هستند. هر کشور، با هر شرایط فرهنگی و سطح توسعه ی اقتصادی، باید در موقعیتی باشد که از نتایج پژوهش - و نه صرفاً از نتایج آموزش فوق متوسطه - بهره می برد. بنابراین دیدن نهادهایی که در برخی کشورهای در حال توسعه به بهای پژوهش، در آموزش فوق متوسطه تخصص می یابند، نگران کننده است.

بدین ترتیب، تضمین مناسبت نظام های آموزش عالی برای ترویج یک فضای سالم اجتماعی و سیاسی در داخل کشور همراه با توسعه ی اقتصادی و فرهنگی اهمیت می یابد. رهبران سیاسی باید چند مأموریت مهم را برای مؤسسات آموزش عالی تعیین کنند: تولید، اشاعه و روزآمد نمودن دانش؛ تربیت مدرسان؛ و انتقال دانش به جامعه به صورت کلی. بعلاوه، یکی از کارکردهای اصلی آموزش عالی باید روزآمدسازی دانش - به صورت مادام العمر، در حوزه هایی باشد که در معرض تغییرات دائمی قرار دارند.

۳. ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران

۳-۱. سند چشم‌انداز ملی

در مقدمه‌ی سند چشم‌انداز بیست‌ساله آمده (تأکیدات از نگارنده‌ی پژوهش حاضر است):

ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا و تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی
- امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت
- برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب
- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن
- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

- ۲-۳. سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه در ارتباط با ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی
- در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه توسط رهبری به ریاست جمهوری (ابلاغ سیاست‌های ...، ۱۳۸۷) نیز اشاره شده است که «انتظار می‌رود که این سیاست‌ها که با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت تنظیم شده، بتواند در جای جای کلیه‌ی فعالیت‌های کشور ... ظاهر گردد». این سیاست‌ها که دارای ۴۵ بند می‌باشد به وجوه فرهنگی، علمی و فناوری، اجتماعی، ارتقای امنیت اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی - دفاعی - امنیتی می‌پردازند. از جمله موارد مطروحه در این سیاست‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۵. استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام.
۷. تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش در موارد زیر:
- ۱-۷. افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم و افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد.
- ۲-۷. دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم.
- ۳-۷. ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخشهای مربوط جامعه.
- ۴-۷. توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.
- ۵-۷. دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز.
۸. تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقاء کیفی آن بر اساس نیازها و اولویتهای کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.
۹. تحول و ارتقاء علوم انسانی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیتهای پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی.
۱۰. گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق: ارتقاء منزلت اجتماعی، ارتقاء سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خطرپذیری مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها، کمک به تجاری سازی دستاوردهای آنان.
۱۱. تکمیل و اجرای نقشه جامع علمی کشور.
۲۹. تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد گردد.

۳۰. گسترش همه جانبه همکاری با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا در تجارت، سرمایه گذاری و فناوری.

۳۱. ارتقاء و هماهنگی میان اهداف توسعه‌ای: آموزش، بهداشت و اشتغال به طوری که در پایان برنامه پنجم، شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا برسد.

۳۶. تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

۳۷. جهت دهی جریان‌های سیاسی به پایبندی به ارزش‌های اسلامی - انقلابی، دفاع از منافع ملی، دشمن‌ستیزی، قانون‌پذیری و اصول اخلاقی.

۳۸. حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت.

۴۲. تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان بویژه حوزه تمدن اسلامی - ایرانی.

۴۵. ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای با تأکید بر:

۴۵-۱. کسب دانش و فناوری‌های نو و نرم‌افزارهای پیشرفته دفاعی و نوسازی و بازسازی صنایع دفاعی، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های صنعتی کشور.

علاوه بر تمامی آنچه که در سطور بالا مورد اشاره قرار گرفت، دلایل بسیار دیگری نیز در رابطه با شرایط نوین اجتماعی، اقتصادی، فناوری، و ... می‌توان ذکر کرد که همگی مؤید ضرورت ترویج آموزش سواد اطلاعاتی هستند. با توجه به ذکر مکرر این موارد در منابع و مقالات اخیراً تالیف‌شده، از ذکر آن‌ها در اینجا خودداری می‌شود. تنها به عنوان نمونه می‌توان به پایان‌نامه‌ی «قاسمی» اشاره کرد که در مقطع دکتری به این مطلب پرداخته و دلایل متعددی در این رابطه بیان نموده است.

۴. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

۴-۱. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان

در رابطه با آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان نیز اقدامات گوناگون و فراوانی انجام شده یا در دست انجام است که به نمونه‌هایی از آن‌ها در مقالات گوناگون فارسی که در این موضوع نگاشته شده‌اند، از جمله در قاسمی (۱۳۸۳؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶) و نظری (۱۳۸۳) اشاره شده است. اما آنچه که نوشتار حاضر در پی آن است، ارائه‌ی چارچوبی برای تدوین خط‌مشی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی است و از این رو موضوع بحث به این موضوع محدود می‌شود.

علاوه بر مراکز گوناگون آموزشی که به اقتضای وظایف و ماموریت‌های خود، توجه به امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی را ضروری یافته و در همین راستا به تدوین خط‌مشی سواد اطلاعاتی اقدام کرده‌اند^۱، در سطح ملی نیز در برخی کشورها به این مهم پرداخته شده است که از جمله می‌توان به CILIP در بریتانیا^۲، NFIL در ایالات متحده^۳، و نیز به ENSIL^۴ و ENIL^۵ در اروپا، Infolit Global (پروژه مشترک ایفلا/یونسکو)^۶، و ... اشاره کرد. در قالب تمامی این پروژه‌ها و اقدامات، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد که همگی در جهت سیاست‌گذاری و انسجام‌بخشی و تقویت و گسترش فعالیت‌های آموزش سواد اطلاعاتی است.

۴-۲. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران

آنچه که در ایران انجام می‌گیرد البته قابل توجه است، اما این اقدامات فاقد یک سیاست مدون یا حتی نامدون است. در این راستا، با توجه به آنچه در مقدمه در رابطه با وضعیت جهانی، منطقه‌ای و ملی گفته شد، تدوین یک سیاست و برنامه مدون برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی ضروری است. کار تدوین سیاست و برنامه آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور باید توسط یک نهاد ملی (مجلس، کتابخانه ملی، شورای انقلاب فرهنگی، و مانند آن‌ها) انجام گیرد. اما این امر نافی ضرورت تدوین سیاست و برنامه از سوی بخش‌های گوناگون آموزشی و غیرآموزشی (وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، و ...) نیست و در فقدان یک سیاست و برنامه‌ی مدون جامع و ملی، اهمیت وجودی چنین اسناددرون‌بخشی افزایش می‌یابد.

-
1. University of Sydney: <http://www.library.usyd.edu.au/skills/infolitpolicy.html>
University of Tasmania: http://www.utas.edu.au/library/about/infolit_policy.html
University of Windsor: <http://www.uwindsor.ca/units/leddy/leddy.nsf/InformationLiteracyPolicy!OpenForm>
Staffordshire University: http://www.staffs.ac.uk/images/info_literacy_policy_tcm68-27989.pdf
 2. http://www.informationliteracy.org.uk/CILIP_CSG_IL.aspx
 3. <http://www.infolit.org/>
 4. <http://vvbad.typepad.com/ensil/>
 5. <http://www.ceris.cnr.it/Basili/EnIL/gateway/gatewayhome.htm>
 6. <http://www.infolitglobal.info/>

۳-۴. نقش پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران در آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران

نوشتار حاضر در پی آن است که به ارائه‌ی یک چارچوب کلی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در محدوده‌ی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری بپردازد. با توجه به جایگاه سازمانی، وظایف، و مأموریت‌های پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، این سازمان می‌تواند عهده‌دار پیاده‌سازی مندرجات این چارچوب در سطح ملی و بین‌المللی باشد. تقبل این وظایف از سوی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران علاوه بر این که موجب بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی موجود می‌گردد، ضمن انسجام‌بخشی و جهت‌دهی به توانایی‌ها و عملکردهای بالفعل دست‌اندرکاران آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور، مرجع قابل اتکایی را برای انعکاس بین‌المللی این فعالیت‌ها و جذب امکانات موجود در سطح جهانی به کشور فراهم می‌آورد.

اهدافی که برای این اقدام از سوی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، از جمله عبارت‌اند از:

۱. تربیت دانشجویان برای بهره‌برداری بهینه از اطلاعات در فرایند پژوهش
 ۲. تجهیز نیروی انسانی آموزش دیده کشور به مهارت‌های لازم برای بقا و رشد در جامعه اطلاعاتی
 ۳. ارائه ابزار لازم به آنان برای یادگیری مادام‌العمر
 ۴. توسعه نیروی انسانی آینده کشور از نظر قابلیت‌های پژوهشی و اجرایی
 ۵. کمک به تحقق اهداف کلان توسعه‌ای کشور
- علاوه بر این اهداف عالی و کلان، برخی از وظایف و مأموریت‌های پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران نیز توجه به آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران را توجیه می‌کنند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

وظایف رسمی:

- ۷) برگزاری دوره‌های تخصصی عالی و دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در چهارچوب ضوابط و مقررات آموزش عالی
- ۸) اشاعه اطلاعات علمی از طریق ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی و یا بهره‌برداری از شبکه‌های موجود
- ۹) انتشار منابع آموزشی و اطلاعاتی در حوزه فعالیت‌های مرکز

۱۱) هماهنگی در گردآوری، پردازش، تحلیل، سازماندهی و اشاعه اطلاعات و مدارک علمی مراکز اطلاعات و کتابخانه‌های تخصصی کشور

۱۲) برقراری و توسعه ارتباط و مشارکت علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه اطلاع‌رسانی

۱۳) مطالعه و برنامه‌ریزی برای اجرای پروژه نظام اطلاع‌رسانی تمدن اسلامی در هزاره سوم و همکاری مراکز اطلاع‌رسانی مشابه در کشورهای اسلامی

وظایف غیررسمی:

۱) طراحی و پیاده‌سازی الگوها و استانداردهای اطلاع‌رسانی

۱-۲) طراحی و ارائه الگو انواع مراکز اطلاع‌رسانی

۱-۳) استاندارد سازی روش‌های جمع‌آوری، ذخیره و بازیابی اطلاعات

۲) ارتباط علمی (بین‌المللی - منطقه‌ای - ملی - بخشی)

۱-۲) ایجاد تشکیل صنفی و علمی از کارکنان، کارشناسان، اعضای هیأت علمی و در حوزه اطلاع‌رسانی

۲-۲) توسعه ارتباط علمی با کشورهای منطقه در زمینه اطلاع‌رسانی

۲-۳) انتشار نشریات علمی در زمینه اطلاع‌رسانی

۲-۵) ایفای نقشهای منطقه‌ای و بین‌المللی اطلاع‌رسانی

۳) نیازسنجی اطلاعات

۱-۳) شناخت روشهای نیازسنجی و کاربرد آن در حوزه سنجش نیازهای اطلاعات علمی و فنی

۲-۳) طراحی فرایندهای نیازسنجی اطلاعات و اجرای آن در حوزه اطلاعات علمی و فنی

۳-۳) شناخت نیازهای اطلاعاتی، رفتار اطلاع‌یابی کاربران (افراد - سازمانها) و بررسی میزان اثر بخشی

۴) شناسایی و تعیین اولویتهای پژوهشی اطلاع‌رسانی در کشور

۱-۴) شناسایی حوزه‌های پژوهشی در اطلاع‌رسانی و انتشار آنها

۲-۴) تعیین اولویتهای تحقیقاتی از طریق نیازسنجی اطلاعات

۵) برنامه‌ریزی برای توسعه اطلاع‌رسانی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱-۵) ارائه خدمات مشاوره وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه اطلاع‌رسانی

- ۲-۵) هدایت فعالیتهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه اطلاع‌رسانی
- ۳-۵) ایجاد هماهنگی در وظایف کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ۶) توسعه منابع انسانی در حوزه اطلاع‌رسانی کشور
- ۱-۶) طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه منابع انسانی در حوزه اطلاع‌رسانی کشور
- ۲-۶) آموزش مدیران و کارشناسان کتابخانه‌ها
- ۳-۶) برگزاری هم‌اندیشی‌های دوره‌ای رؤسای کتابخانه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ۴-۶) آموزش کارکنان مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران به منظور روزآمد کردن توان تخصصی آنان با توجه به فن‌آوری اطلاعات در جهان
- ۷) طراحی، استقرار، نگهداری و پشتیبانی نظام ملی اطلاع‌رسانی (در حوزه علمی و فنی)
- ۱-۷) ایفای نقش مؤثر بر فرایند طراحی، استقرار و نگهداری نظام ملی اطلاع‌رسانی به ویژه در حوزه اطلاعات علمی و فنی
- ۳-۷) تدوین پیش‌نویس قوانین و مقررات مورد نیاز و ارائه به مراجع ذیربط برای ایجاد و استفاده از فرصت‌ها
- ۴-۷) پژوهش در نظام اطلاع‌رسانی کشور
- ۸) توسعه سواد اطلاعاتی
- ۱-۸) افزایش سواد اطلاعاتی دانشجویان، کارشناسان و اعضای هیأت علمی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ۲-۸) ارائه راهکارهای مناسب جهت افزایش سواد اطلاعاتی دانشجویان، کارشناسان و اساتید دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی
- ۹) ارائه خدمات مشاوره علمی در حوزه اطلاع‌رسانی
- ۱۰) خدمات اطلاع‌رسانی
- ۱-۱۰) جمع‌آوری پایگاههای اطلاعات علمی خارجی و ارائه اطلاعات آنها به کاربران
- ۱۲) توسعه علم اطلاع‌رسانی از طرق گوناگون از جمله
- ۱-۱۲) توسعه علم اطلاع‌رسانی در کشور از طریق انتشار منابع علمی روزآمد در این زمینه
- ۲-۱۲) برگزاری هم‌اندیشی علمی در زمینه اطلاع‌رسانی

۵. چارچوب برنامه‌ی پیشنهادی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در آموزش عالی در ایران

بررسی نحوه‌ی عمل سازمان‌ها و مؤسسات پیشرو در این حوزه نشان می‌دهد که در آموزش سواد اطلاعاتی باید به چند نکته توجه داشت:

- انسجام و یکپارچگی آموزش‌ها را باید همواره در نظر داشت و از پراکنده کاری پرهیز نمود.
- با تحول شیوه‌های آموزش، شیوه‌های یاددهی و یادگیری سواد اطلاعاتی نیز باید با استفاده از این شیوه‌ها و رویکردهای نوین اتخاذ شوند.

- آنچه که در آموزش سواد اطلاعاتی نیز اهمیت دارد، ارزشیابی میزان مهارت‌ها و آموخته‌ها است. بنابراین برای حفظ انسجام در محتوا و آموخته‌ها، ضروری است که از استانداردهای سواد اطلاعاتی استفاده شود.

باید توجه داشت که روی آوردن به استاندارد به معنای پیچیدن یک نسخه‌ی یکسان برای همه‌جا و همه‌کس نیست. در ترویج استانداردها و آموزش‌های سواد اطلاعاتی باید به وجوه بسیاری از جمله نیازهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و وضعیت فناورانه و اقتصادی و ... توجه نمود.

«استاندارد سواد اطلاعاتی» مجموعه‌ای است که باید چارچوبی برای سنجش افراد باسواد اطلاعاتی در اختیار ما قرار دهد و بیانگر نمای کلی از فرایندی باشد که به وسیله‌ی آن می‌توان نشانگرهای خاصی را که مشخص‌کننده‌ی یک باسواد اطلاعاتی هستند، تعیین کرد.

مسیر پیاده‌سازی استانداردهای سواد اطلاعاتی، استفاده از مدل آموزش سواد اطلاعاتی است. هدف از تدوین مدل‌های گوناگون سواد اطلاعاتی، تعیین راهکارهای عملی برای ارائه‌ی برنامه‌های مختلف آموزش سواد اطلاعاتی متناسب با محیط آموزشی بوده است. انتخاب مدل مناسب برای آموزش سواد اطلاعاتی مرحله‌ای است که پس از سنجش سطح سواد اطلاعاتی و انتخاب استانداردها صورت می‌پذیرد و آشنایی با این مدل‌ها، به این دلیل که زمینه‌ی لازم در باب شیوه‌های آموزش سواد اطلاعاتی و وجوه مورد تأکید در هر مدل را به ما می‌دهند مناسب است.

با توجه به مطالب بسیاری که تاکنون در باب وضعیت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان و در ایران ذکر شد، متوقف کردن امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی تا زمان حصول یک مدل مناسب

آموزش سواد اطلاعاتی، منطقی و قابل قبول نیست و موجب تداوم ناهماهنگی‌ها و بی‌برنامگی‌ها در این عرصه خواهد شد. از این رو باید ضمن ورود به عرصه‌ی اقدامات عملی، ضرورت حصول یک مدل کارآمد آموزش سواد اطلاعاتی را نیز در نظر داشت. بدیهی است که مهم‌ترین وجه در مدل مذکور، کارآمدی و بیشینگی بهره‌وری در آن است و تاکید نابجا بر جامعیت و شمولیت کشوری آن، تنها موجب فراموشی هدف اصلی (یعنی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی) خواهد گردید. مدل حاصله تا جایی باید فراگیر و جامع باشد که ارائه‌دهنده‌ی کلیات و مهمات نظری آموزش سواد اطلاعاتی با توجه به نیازها و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و ... ایران باشد. دانش به‌دست‌آمده در روند تدوین مدل مذکور موجب خواهد شد که در به‌کارگیری مدل نهایی، هر مؤسسه‌ی آموزشی متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص مخاطبان خود، تنظیمات لازم را در آن اعمال کند. تا آن زمان، مؤسسات آموزشی و بویژه پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران باید ضمن بررسی مدل‌های آموزش سواد اطلاعاتی، به استخراج عناصر مورد توجه در این مدل‌ها و بازترکیب آن‌ها به‌منظور تدوین مدل‌های بومی پردازند و در این رهگذر از تجارب عملی به‌دست‌آمده از برنامه‌های آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی، از طریق اقداماتی که در دنباله به آن‌ها اشاره خواهد شد، بهره گیرند.

نخستین گام در ترویج آموزش‌های سواد اطلاعاتی با توجه به ماهیت همگانی آن و نیز با توجه به استلزامات بعدی که در گرو مشارکت بین‌بخشی می‌باشد، باید به آگاهی‌بخشی اختصاص یابد. آگاهی‌بخشی به معنای آگاهانیدن و آموزش دادن افراد در باره‌ی یک موضوع یا مسئله، با هدف تأثیرگذاری بر گرایش‌ها، رفتارها، و باورهای آنان در جهت تحقق یک هدف یا برنامه نیز هست.

آگاهی‌بخشی یک کاتالیزور ساختاری و بالقوه است که نهایتاً موجب تغییرات مثبت در رفتارها و گرایش‌ها می‌شود. بر این مبنا، آگاهی‌بخشی همگانی (بسته به حوزه‌ی عملیاتی تعیین شده و مورد نظر) در باب مفاهیم و ضرورت‌های سواد اطلاعاتی یکی از الزامات آموزش سواد اطلاعاتی، و قدم اول در هر اقدام عملی است. بدین منظور از شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی می‌توان بهره گرفت. برخی از این شیوه‌ها در منابع و مراجع مربوط به سواد اطلاعاتی (از جمله در «فهرست راهنمای بین‌المللی منابع سواد اطلاعاتی»^۱

1 . http://www.uv.mx/usbi_ver/unesco

که اخیراً توسط «فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)» و یونسکو ایجاد شده) آمده‌اند و برخی دیگر بنا به اقتضائات محلی، باید از سوی دست‌اندرکاران و فعالان سواد اطلاعاتی (و در اینجا، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران) ابداع و تدوین شوند و انتظار می‌رود که به عنوان محصولات و یافته‌های ملی، در اختیار دیگران نیز قرار گیرند. آنچه که در جریان آگاهی‌بخشی در باب سواد اطلاعاتی همواره باید به خاطر داشت این است که رفتارها و باورها و اقدامات جاری در امر آموزش سواد اطلاعاتی را می‌توان از طریق آگاهی‌بخشی به مسیر مناسب و شایسته هدایت کرد یا بر آن اثر مثبت گذاشت.

نکته‌ی دوم آن که باید در پی حصول تأثیرات عمیق و ماندگار بود. برای دستیابی به چنین موفقیتی نیاز به برنامه‌ریزی سنجیده، و تمهید پاره‌ای مقدمات است که بدون آن‌ها، هر گونه اقدامی بی‌دنباله و مقطعی خواهد بود.

نکته‌ی دیگر، تعیین حوزه‌ی عملیاتی برای آموزش سواد اطلاعاتی است. با توجه به ماهیت مهارت‌های سواد اطلاعاتی، عموم افراد جامعه به چنین مهارت‌هایی نیازمندند تا بتوانند در دنیای اطلاعاتی امروز، با موفقیت به زندگی بپردازند. اما تدوین برنامه‌ی جامع و ملی برای آموزش سواد اطلاعاتی، نیازمند یک مشارکت همه‌جانبه و بین‌بخشی است که در آن، همه‌ی سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار آموزش، چه آن‌هایی که به آموزش‌های رسمی مشغول‌اند (مانند وزارت آموزش پرورش، آموزش عالی، ...) و چه آن‌هایی که آموزش‌های غیررسمی جزو وظایف آنها است (مانند وزارت ارشاد، صدا و سیما، ...) باید حضور داشته باشند. بدیهی است که با توجه به حوزه‌ی عمل، وظایف و مأموریت‌هایی که برای هر سازمان مشخص شده است، بخش‌های مختلف باید در حوزه‌ی عمل خاص خود به فعالیت بپردازند، اما این فعالیت‌ها باید در چارچوب یک سیاست ملی (و در نبود آن، در راستای چنین سیاست مفروضی) انجام گیرند.

آنچه که در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود گامی است در راه تحقق این مشارکت همه‌جانبه که در طی آن، اصول اولیه برای اقدام در جهت آموزش سواد اطلاعاتی در آموزش عالی ارائه می‌گردد تا بتوان بر مبنای آن، به اقدامات عملی در امر آموزش سواد اطلاعاتی پرداخت.

۶. عرصه‌های اقدام در آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

توصیه می‌شود که اقدامات مرتبط با سواد اطلاعاتی حوزه‌ی تابعه‌ی وزارت مذکور مبتنی بر پنج راهبرد کلی باشد:

۱. رعایت خط‌مشی‌های بین‌المللی (مانند بیانیه پراگ یونسکو در سال ۲۰۰۳ «به سوی جامعه‌ی باسواد اطلاعاتی»)

۲. تدوین برنامه‌ی درسی برای مراکز آموزشی، مشتمل بر برآیندهای یادگیری، قابلیت‌ها و معیارهای سنجش و ارزیابی

۳. توسعه و مهارت‌آموزی حرفه‌ای برای افراد آکادمیک، اساتید، کتابداران، و دیگر افرادی که مستقیماً با تدریس مهارت‌های سواد اطلاعاتی درگیرند

۴. تولید منابع و مواد آموزشی سواد اطلاعاتی، از جمله در قالب‌های درونخطی و یادگیری از راه

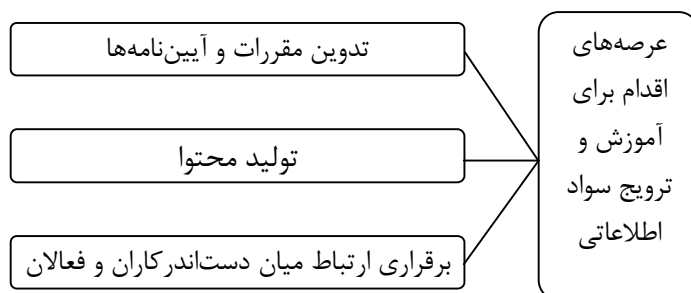
دور

۵. گفت‌وگوهای مستمر بین‌المللی با پژوهشگران و فعالان سواد اطلاعاتی از طریق کنفرانس، کارگاه

آموزشی، و تبادل برنامه (مانند «کارگاه آموزشی بین‌المللی مهارت‌های اطلاعاتی برای یادگیری» در ۲۰۰۴ در کلمبو- سریلانکا)

بر مبنای این راهبردهای کلی، عرصه‌هایی که برای اقدام به‌منظور برنامه‌ریزی آموزش و ترویج سواد

اطلاعاتی مورد توجه قرار داد در نمودار زیر مشخص شده‌اند.



نمودار ۱. ترتیب منطقی عرصه‌های اقدام برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

فعالیت سازمان‌یافته و هدفمند در هر یک از سه عرصه‌ی فوق باید مشتمل بر چهار دسته اقدامات زیر باشد (Oxfam International Youth Parliament, 2005):

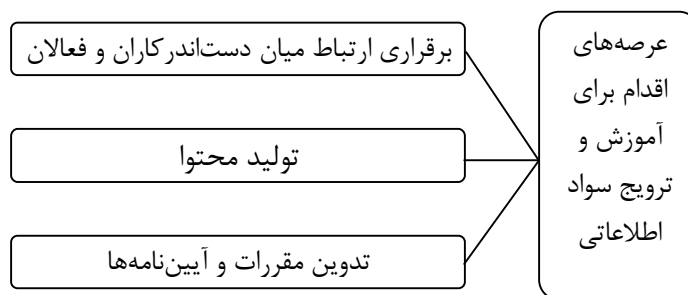
الف. تحقیق در باره‌ی موضوع

ب. بسیج امکانات پشتیبان و مراجع پشتیبانی‌کننده

ج. آگاهی‌بخشی همگانی

د. رایزنی و مذاکره با تصمیم‌گیران.

بنا به ماهیت نوشتار حاضر، ترتیب اهمیت این سطوح سه‌گانه (مذکور در بالا) به همان صورتی که ارائه شده، اما ترتیب عملیاتی آن‌ها از انتها به ابتدا، و به ترتیبی است که در نمودار شماره ۲ به نمایش درآمده است. دلیل این وارونگی در ترتیب، عملیات‌پذیری این عرصه‌ها در شرایط کنونی است؛ چرا که با این ترتیب، تحقق اهداف مترتب بر طرح آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی از امکان‌پذیری بیش‌تری برخوردار خواهد بود.



نمودار ۲. ترتیب عملیاتی عرصه‌های اقدام برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

۱-۶. برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان حوزه‌ی سواد اطلاعاتی

در بیان کلی، ارتباط را می‌توان چنین تعریف کرد: «مذاکره و مبادله‌ی معنا که در طی آن، پیام‌ها، افراد فرهنگ‌مند و "واقعیت" به گونه‌ای با هم تعامل می‌کنند که امکان تولید معنا یا وقوع ادراک، فراهم آید» (O'Sullivan et al., 1983).

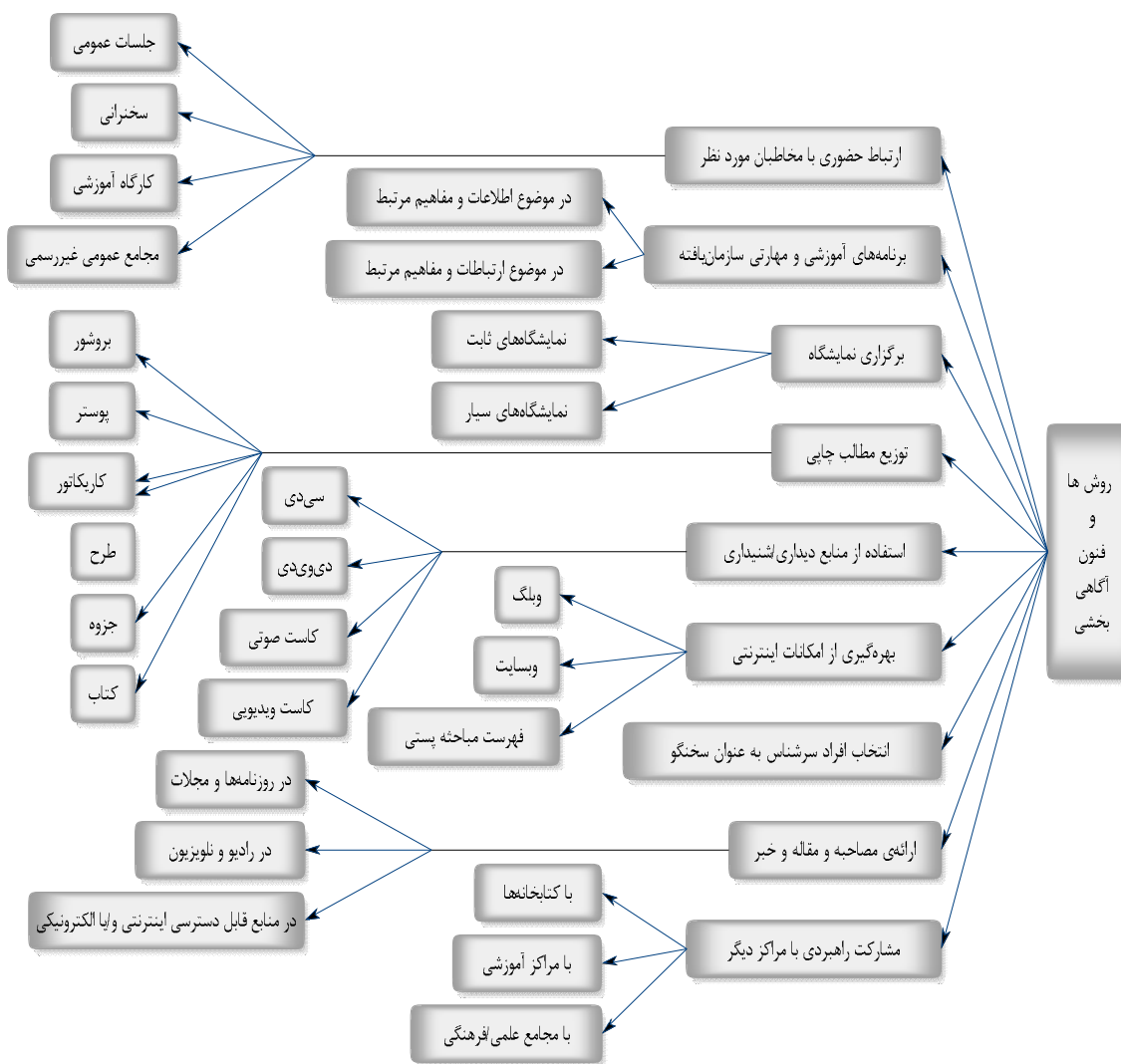
در برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان سواد اطلاعاتی در آموزش عالی، که در درجه‌ی اول و عمدتاً در حال حاضر، کتابداران و اساتید رشته‌های کتابداری، و به تدریج و در مراحل بعدی اساتید

رشته‌های دیگر را شامل می‌شود، نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند که این نکات در نمودار شماره ۳ مورد اشاره قرار گرفته‌اند.



نمودار ۳. موارد قابل توجه در برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران سواد اطلاعاتی در آموزش عالی

در جریان این ارتباطها از روش‌ها و فنونی به منظور آگاهی‌بخشی می‌توان بهره گرفت که در نمودار شماره ۴ به این روش‌ها و فنون اشاره شده است.



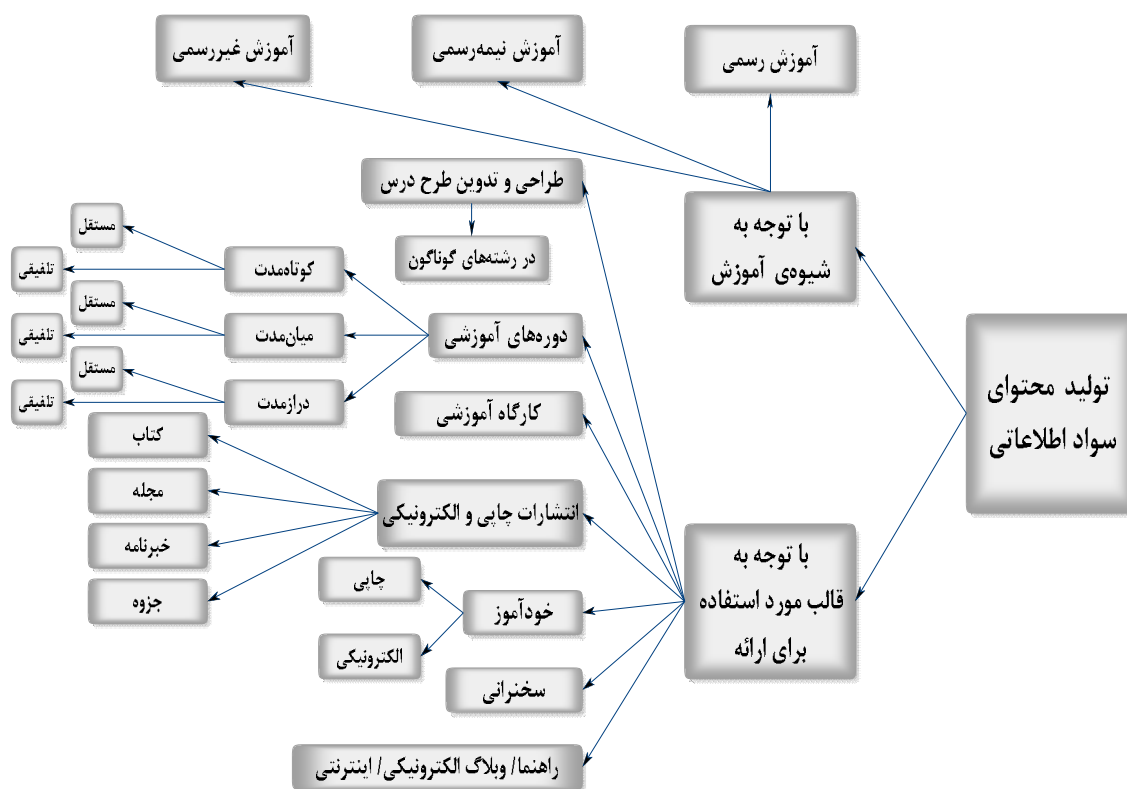
نمودار ۴. روش‌ها و فنون آگاهی بخشی

۲-۶. تولید محتوا در حوزه‌ی آموزش سواد اطلاعاتی

در تولید محتوا باید توجه داشت که ترویج کاربرد محتوای تولیدشده در گرو ایجاد نیاز به آن محتوا است. از این رو ترویج مفهوم سواد اطلاعاتی مستلزم آموزش‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی است. تنها با یک جمعیت مخاطب علاقه‌مند به محتوا می‌توان تداوم کاربرد و تولید محتوا را تضمین کرد.

تولید محتوا در واقع باید مبتنی بر شیوه‌های آموزش سواد اطلاعاتی باشد. این شیوه‌ها بر سه دسته‌اند: رسمی، نیمه‌رسمی، غیررسمی. بر این اساس، آموزش‌های سواد اطلاعاتی را می‌توان در قالب‌های گوناگونی ارائه داد که در نمودار شماره ۵ به آن‌ها پرداخته شده.

بدیهی است که برقراری ارتباط میان فعالان و دست‌اندرکاران آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی موجب ارتقای سطح محتوای تولیدشده خواهد گردید. آنچه که موجب اشاعه‌ی اقدامات آموزشی به قلمرو آموزش‌های نیمه‌رسمی و غیررسمی خواهد گردید، موفقیت در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های جامع و روشن در امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی خواهد بود که به موجب آن، بخش‌های مختلفی که دارای ظرفیت قابل استفاده در این قبیل آموزش‌ها هستند (مانند صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد و ...) برای ارائه‌ی این آموزش‌ها مورد توجه قرار گیرند.



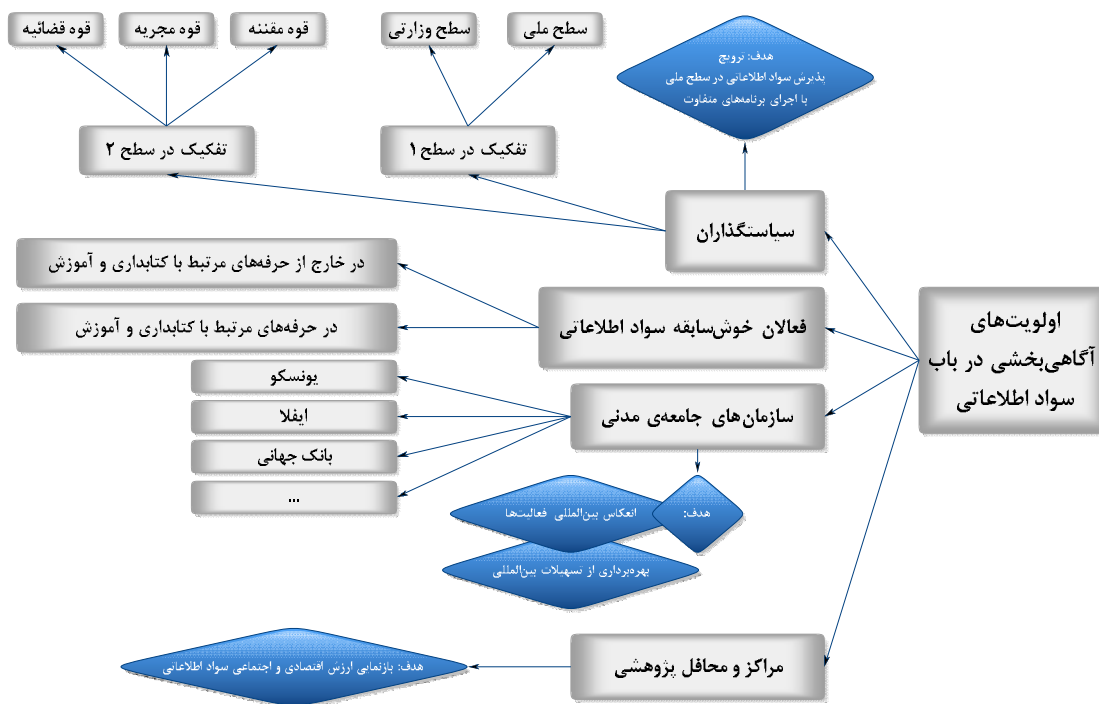
نمودار ۵. قالب‌های ارائه‌ی محتوا برای آموزش سواد اطلاعاتی

البته باید یادآوری کرد که تولید محتوا از یک سو در ارتباط با شیوه‌های آموزش و از سوی دیگر متأثر از مدل آموزش سواد اطلاعاتی است. آنچه که به تحقق یک مدل کارآمد در آموزش سواد اطلاعاتی منجر خواهد شد، بازخوردهای حاصل از ارائه‌ی محتواها و دوره‌های آموزش سواد اطلاعاتی و

سنجش میزان مهارت‌های آموخته‌شده در پی این آموزش‌ها است. به بیان دیگر، در کنار تلاش و برنامه‌ریزی برای تولید محتوای آموزشی سواد اطلاعاتی، باید مستمراً به ارزیابی و تحلیل برآیندهای حاصله پرداخت و نتایج نهایی را در مراحل بعدی و در تدوین مدل بومی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی مورد استفاده قرار داد.

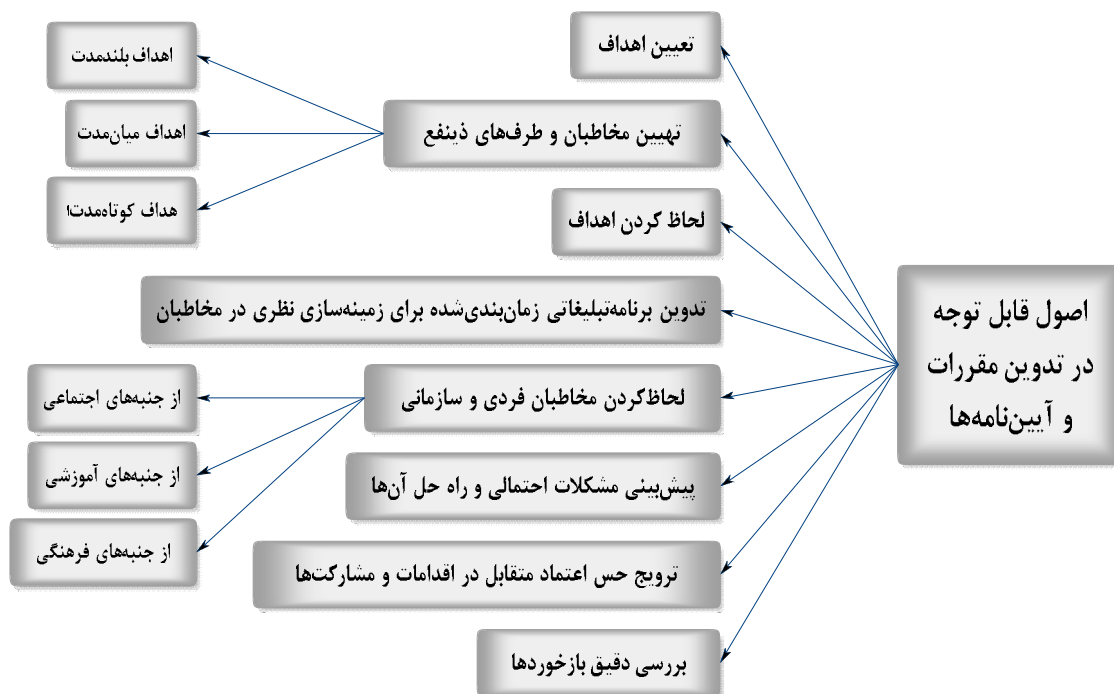
۳-۶. تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

قدم اول در راه زمینه‌سازی برای تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، همان‌گونه که پیش‌تر هم مورد اشاره قرار گرفت، آگاهی‌بخشی به دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان در باب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مرتبط با آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی است. اولویت‌هایی که در امر آگاهی‌بخشی در باب سواد اطلاعاتی در «گردهمایی عالی در موضوع سواد اطلاعاتی و یادگیری مادام‌العمر» در سال ۲۰۰۵ در نظر گرفته شدند در نمودار شماره ۶ ذکر شده‌اند.



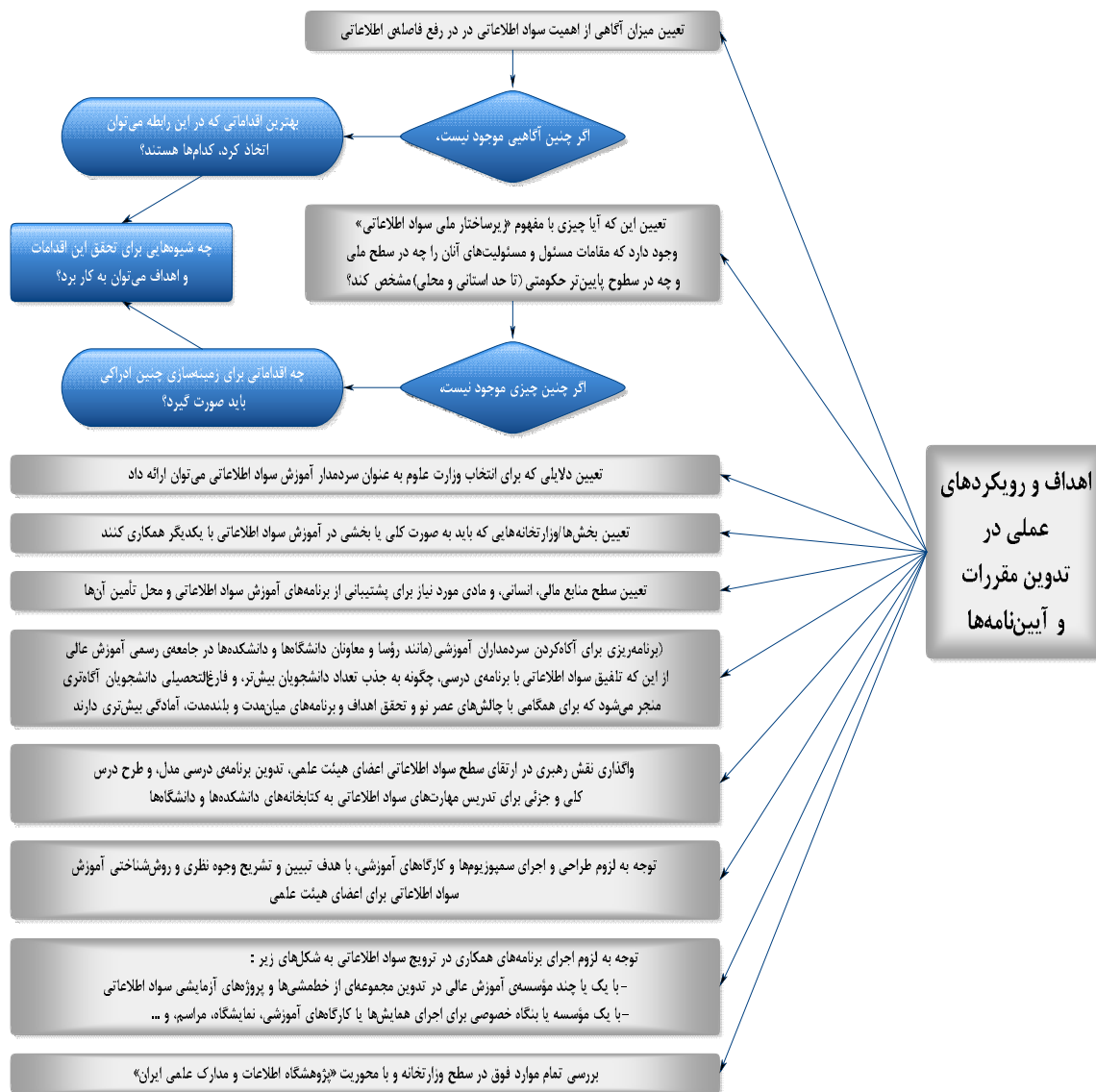
نمودار ۶. اولویت‌های آگاهی‌بخشی در باب سواد اطلاعاتی

در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها نیز باید اصولی را مدنظر قرار داد که در نمودار شماره ۷ آمده‌اند.



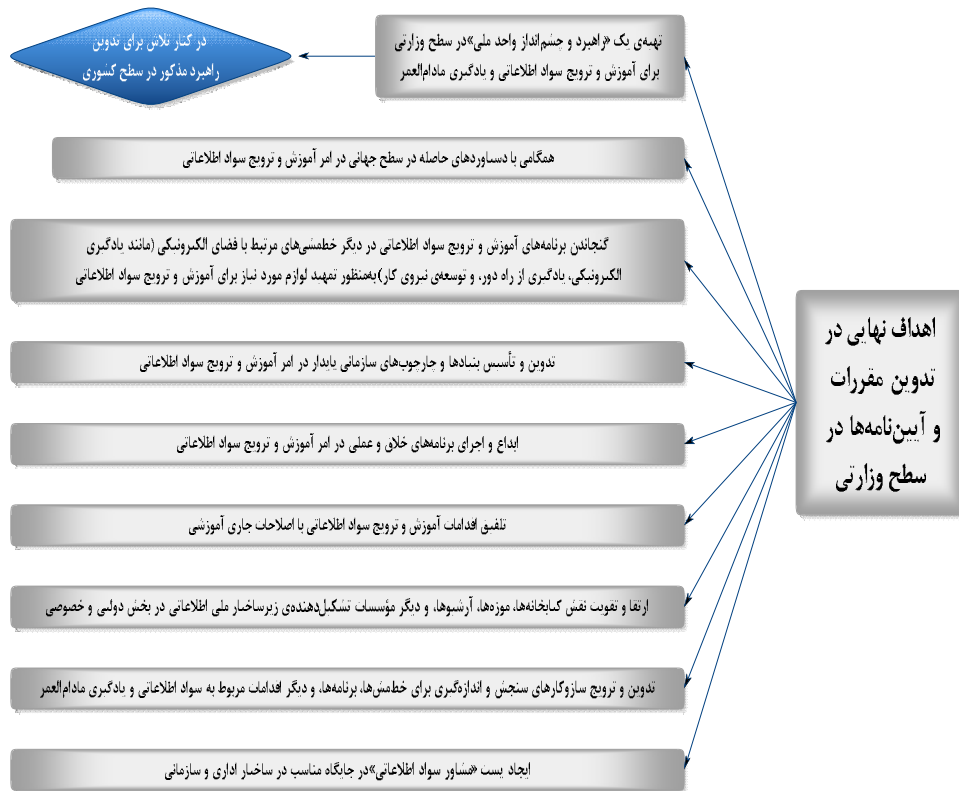
نمودار ۷. اصول مربوط به تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها

اهداف و رویکردهای عملی که در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها باید به آن‌ها توجه داشت در نمودار شماره ۸ ذکر شده‌اند.



نمودار ۸. اهداف و رویکردهای عملی در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها

و بالأخره آنچه که در نهایت در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها مورد هدف قرار می‌گیرد، مواردی است که در نمودار شماره ۹ مورد اشاره قرار گرفته.



نمودار ۹. اهداف نهایی در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها

۷. نتیجه‌ی نهایی

با ورود به اقدامات فوق و بسته به درجه‌ی حصول و تحقق برنامه‌های تدوین‌شده برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور، نتایج پیش‌بینی‌شده یا مورد انتظار از برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تحقق می‌یابند؛ چراکه ابزار لازم برای دستیابی به این اهداف از نظر تجهیز آموزش‌دهندگان و پژوهشگران و مدیران اجرایی کشور به منظور بهره‌برداری از ذخایر اطلاعاتی موجود، در اختیار آنان قرار گرفته است. بدیهی است با پیشرفت‌های سریعی که در قلمرو فناوری و اطلاعات حاصل می‌شود، مدل‌های آموزش سواد اطلاعاتی نیز باید مورد بازنگری و ارتقای مداوم قرار گیرند. اما این امر در گرو برنامه‌ریزی منسجم و جامع به‌منظور افزایش بهره‌وری از فعالیت‌ها و تلاش‌های دست‌اندرکاران آموزش سواد اطلاعاتی می‌باشد. با تحقق مهارت‌های سواد اطلاعاتی که با تجهیز یادگیرندگان به مهارت‌های تفکر

انتقادی همراه است، بسیاری از اهداف ملی مورد انتظار در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و علمی در دسترس قرار می‌گیرند؛ چرا که گام اول در امر دسترسی به دانش (که بومی‌شدگی، ویژگی اصلی آن است) قدرت تشخیص مسئله و تعیین روشن نیاز اطلاعاتی، و بهره‌گیری از اطلاعات موجود برای تولید اطلاعات و دانش جدید است.

شعار عصر امروز این است: دانش قدرت است؛ و دسترسی به دانش بدون سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی ناممکن است.

۸. منابع

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب. بازیابی در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=5389> (دسترسی ۸۸/۱/۲۴)

سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به روایت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۴). فصلنامه حکومت اسلامی. سال دهم. شماره چهارم. ص ۴۰-۱۷.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغی مقام رهبری به‌موجب بخشنامه شماره ۱۰۱/۱۹۳۰۰۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

قاسمی، علی حسین (۱۳۸۳). «ضرورت و چگونگی آموزش سواد اطلاعاتی در توسعه و تقویت آموزش عالی». در: آموزش استفاده‌کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (مجموعه مقاله‌ها)، به کوشش رحمت‌الله فتاحی. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. ص. ۱۷۸-۱۵۳.

قاسمی، علی حسین (۱۳۸۵). بررسی وضعیت سواد اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و انطباق آن با استانداردهای سواد اطلاعاتی ACRL و چهار سند توسعه‌ی ملی؛ پایان‌نامه دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی، به راهنمایی دکتر محمد حسین دینانی: دانشگاه فردوسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

قاسمی، ع.ح.؛ دینانی، م.ح.؛ داورپناه، م.ر.؛ شعبانی ورکی، ب. (۱۳۸۶). هنجاریابی استاندارد قابلیت‌های سواد اطلاعاتی (ای‌سی‌آرال) برای جامعه دانشگاهی ایران. مطالعات تربیتی و روانشناسی-ویژه‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. دوره ۸، شماره ۳. ص. ۷۵-۹۸.

نظری، مریم (۱۳۸۳). سواد اطلاعاتی برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی. با همکاری سیروس علیدوستی. طرح پژوهشی. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. بازیابی در <http://app.irandoc.ac.ir/Irandoc/ipms/download.aspx?UGgrLix4%2fOM%3d> (دسترسی ۸۸/۱/۲۴)

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸: مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۳.

European network for Information Literacy (site): <http://www.ceris.cnr.it/Basili/EnIL/index.html>

European Network for School Libraries and Information Literacy (site): <http://vvbad.typepad.com/ensil/>

George, Rigmor and Luke, Rosemary (1995). "The Critical Place of Information Literacy in the Trend Towards Flexible Delivery in Higher Education Contexts", Paper delivered at the *Learning for Life Conference*, Adelaide, 30 November 1 December 1995.

Infolitglobal (site): <http://www.infolitglobal.info>

Information Literacy (site): http://www.informationliteracy.org.uk/CILIP_CSG_IL.aspx

Information Literacy Resources Directory (site): http://www.uv.mx/usbi_ver/unesco

Karisiddappa, C.R. (2004). "Literacy Concepts in the LIS: Information Literacy and Capability Building", in *International workshop on "Democratization of Information: Focus on Libraries"*. Avail: <http://www.nigd.org/libraries/mumbai/reports/article-9.pdf> (access: 2009/04/13)

Lantz, Agneta and Brage, Christina (2006). "Towards a Learning Society – Exploring the Challenge of Applied Information Literacy through Reality-Based Scenarios", *ITALICS*. Volume 5 Issue 1. Avail: <http://www.ics.heacademy.ac.uk/italics/vol5-1/pdf/lantz-brage-final.pdf> (access: 2009/04/13)

National Forum on Information Literacy (site): <http://www.infolit.org/>

O'Sullivan, Tim et al. (1983) *Key Concepts in Communication and Cultural Studies* (Studies in Culture & Communication), London: Methuen, p. 42.

Oxfam International Youth Parliament (OIYP) (2005). *Case Study Collection: Awareness Raising & Behavioural Change Strategies for Change in the OIYP Network*. Available: <http://iyp.oxfam.org/documents/OIYP%20Case%20Study%20Collection.pdf> (access 2009/04/13)

Prague Declaration - "Towards an Information Literate Society" (Prague, Czech Republic, 20-23 September 2003). Available online at: <http://portal.unesco.org/ci/en/files/19636/11228863531PragueDeclaration.pdf/PragueDeclaration.pdf> (accessed 13 Apr. 2009)

Sayers, Richard (2006). *Principles of awareness-raising: Information literacy, a case study*. Bangkok: UNESCO Bangkok, 2006. available: <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001476/147637e.pdf> (accessed 2009/04/13)

UNESCO (2005). *Towards knowledge societies: Unesco World report (WSIS)*. Available: <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001418/141843e.pdf> (access: 2009/04/13)

UNESCO Information for All Programme (2007). "Understanding Information Literacy: A Primer" Edited by the Information Society Division, Communication and Information Sector Paris: UNESCO, 2007. available: <http://unesdoc.unesco.org/images/0015/001570/157020E.pdf> (accessed 2009/04/13)

Abstract

Information literacy education has been highly regarded in the world and in Iran due to its tremendous effect on increased use of information and this way on upgrading the social, economic, and cultural development. Despite the considerable influence of ICT in Iran and its widespread use by the public, different people and institutions have addressed to information literacy training and have taken some due measures. Yet, these efforts lack a coherent and studied policy and thus cause loss of human and inhumane resources. In this regard, focusing on higher education students will spread information literacy skills among other layers of the society. Moreover, through integration of information literacy skills with educational, research, and professional functions of the graduates, effective achievement in realization of goals macro social development objectives - as recommended in National Development documents – will be attained.

The present report provides an information literacy developing model for the Ministry of Science, Research and Technology. The presented model – based on UNESCO-and-IFLA recommendations on curriculum-planning and information literacy skills – has taken into account the current status of information literacy education in Iran, the potential of the Iranian academic community involved in learning and teaching information literacy, ICTs influence, and potential of the involved organizations. The model is based on three aspects - developing rules and regulations, producing content, and communication among the involved activists. In each of these respects, while considering some noticeable points, the most important actions to be taken are mentioned.

The first step in accessing to knowledge (featured by being localized) is attaining the ability to get a clear diagnosis of the due problem and the information need, and utilization of information to produce new knowledge; So by realization of information literacy skills along with equipping the learners with critical thinking skills, it is expected that many of the projected national objectives in cultural, social, economic and scientific areas are made accessible.



IRANDOC

**Planning An
Information Literacy Developement
Model
for Ministry of Science, Research
and Technology**

**By:
Ali H. Ghassemi
PhD in LIS
2009**